شهید قاسم سلیمانی | شهید ابومهدی المهندس | شهید مصطفی چمران | شهید ادواردو آنیلی | شهید حسن شاطری | شهید حسن طهرانی مقدم | شهید حسین همدانی | شهید محسن فخری‌زاده | شهید صیاد شیرازی | شهید محسن حججی | شهید سیدمحمدباقر حکیم | شهید عماد مغنیه | شیخ ابراهیم زکزاکی | دکتر رمضان عبدالله | سردار ابراهیم محمدزاده | سیدحسن نصرالله

شهیدِ رمضان

یادی از شهید محمدحسین بیاتی

سعید رضایی

با اینکه فرمانده بود و مسئولیت‌های متعددی در لشکر داشت و در حوزه علمیه هم بسیار فعال بود اما آن‌قدر اخلاص داشت و اهل تواضع بود که حتی به خانواده خودش هم نمی‌گفت مسئولیتش در جبهه چیست.

وقتی مرخصی می‌گرفت و به خانه می‌آمد در پاسخ مادرش که از او می پرسید آنجا چه می‌کنید، می‌گفت: هیچی، فقط می‌خوریم و می‌خوابیم. از صبح تا شب یک گونی سیب‌زمینی می‌ریزند جلوی ما، ما هم پوست می‌کنیم.

شاید می‌خواست با این حرف‌ها خیال مادرش را راحت کند. وقتی شهید شد تازه پدر و مادرش فهمیدند او در جبهه چه مسئولیت‌هایی داشته است.

روحانی شهید محمدحسین بیاتی در بیستمین روز آذرماه سال ۱۳۴۰ در تهران چشم به دنیا باز کرد. دوران دبستان و سال‌های راهنمایی و دبیرستان را با توفیق در زادگاهش گذراند و دیپلم گرفت. زمان فراغتش از تحصیل مقارن شده بود با انقلاب اسلامی و جوشش و خروش مردم به رهبری امام خمینی(ره) برای سرنگونی رژیم سفاک و منفور پهلوی.

محمدحسین نیز که فعالیت‌های انقلابی‌اش را از قبل از انقلاب آغاز کرده بود، به دلیل حال و هوای مذهبی، محیط انقلابی و رضایت خانواده و بیشتر از همه علاقه قلبی خودش تصمیم گرفت پس از گرفتن مدرک دیپلم، به فراگیری علوم اسلامی مشغول شود لذا وارد مدرسه آیت‌الله گلپایگانی قم شد و حدود یک‌سال و نیم شاگردی مکتب اهل‌بیت (علیه‌السلام) را کرد.

محمدحسین بعد از پیروزی انقلاب و طلبه شدن، وارد پایگاه مقاومت بسیج محل نیز شد و درواقع فعالیت‌های اجتماعی و کوشش‌های سیاسی خود را با اولین حرکت‌های انقلاب آغاز کرد. او پیش‌تر نیز در تظاهرات و راهپیمایی‌ها حضور فعال داشت و در رساندن اعلامیه‌های رهبری و سران انقلاب و تکثیر نوارهای لازم و مذهبی، تلاش فراوانی داشت.

محمدحسین ساده‌پوش و آراسته بود. در تحصیل نیز فردی کوشا و پرتلاش بود و احترام خاصی به پدر و مادر می‌گذاشت.

با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، محمدحسین دست از خدمات فرهنگی و تبلیغی و به عبارتی دست از جهاد علمی برداشت و به تشویق خانواده رهسپار جبهه شد تا جهاد عملی و سیر و سلوک معنوی خود را آغاز کند.

محمدحسین با حضور در جبهه‌های نبرد، این میعادگاه عاشقان و عارفان و دلسوختگان گویا آزاد و سبک‌بار شده بود. دوستانش که او را بعد از دوره نظامی و قبل از شهادتش دیده بودند، همه از خوشحالی و بشاشیت و شادمانی درونی او حکایت‌ها داشتند.

در کمک به مستمندان دریغ نداشت و انسان‌ها را مسئول زندگی اشخاص می‌دانست. به راستی نیز در این اواخر بسیار متغیر شده بود و گویی خود را آزاد می‌پنداشت و سبک‌بار راه می‌رفت. بیشتر اوقاتش را در مسجد و یا به عبادت می‌پرداخت. بسیار اهل مطالعه و کتاب خواندن بود و برای خودش کتابخانه کوچکی درست کرده بود.

محمدحسین نه‌تنها خودش کتاب می‌خواند که سعی می‌کرد دوستانش را نیز به مطالعه و تحصیل علم تشویق کند. برای آنان کتاب می‌گرفت و هدیه می‌کرد و حتی کتاب‌های خودش را به آنان امانت می‌داد.

در جلسات و گفت‌وگوهای دوستانه‌ای که داشتند به جای اینکه از دنیا و مادیات و مسائل بیهوده دنیایی صحبت کند، از تازه‌ترین کتابی که خوانده بود و یا از تازه‌ترین مسئله اعتقادی و علمی که شنیده بود سخن به میان می‌آورد و در رابطه با آن با دوستانش گرم صحبت می‌شد و حرف می زد.

هرکس با او برخورد کوچکی داشت سریع شیفته اخلاق نیکو و حسنه و الهی او می‌شد. آنچنان خوش اخلاق و خوش برخورد بود که همه را مجذوب خود می‌کرد. نورانیت در چهره او موج می‌زد. شاید این نورانیت اثر آن نماز شب‌هایی بود که او در خلوت خود در اتاق کوچکش در حوزه علمیه می‌خواند.

آری، او اصلاً حوزه علمیه و جبهه جنگ را برای خودسازی و تربیت روح معنوی‌اش انتخاب کرده بود. او به دنبال جهاد بود، هم جهاد اکبر و هم جهاد اصغر، هم جهاد علمی و هم جهاد عملی.

سیر و سلوک معنوی او و مناجات‌های شبانه او در حجره محقر و کوچکش جهاد اصغرش بود و حضورش در جبهه جنگ و میدان رزم، جهاد اکبرش.

تحصیل و مطالعه او در حوزه علمیه جهاد علمی‌اش بود و اسلحه به دست گرفتن و به نبرد رویارویی با دشمن تا دندان مسلح بعثی پرداختن، جهاد عملی‌اش.

او فردی بود جامع و کامل. سعی کرده بود همه ابعاد وجودی خودش را به طور یکسان و یکنواخت و در حد اعلی کمال رشد بدهد و از تمامی استعدادها و قابلیت‌های خودش استفاده کند و بهره ببرد.

در حقیقت محمدحسین به تعبیر استاد شهید مرتضی مطهری نمونه یک انسان کامل و الگو بود که همه ابعاد وجودی و استعدادها و قابلیت‌های خودش را اولاً شناخته و ثانیاً متوجه شده که همه این الطاف از جانب خداوند قادر مطلق است و ثالثاً به تکمیل و تربیت آنها پرداخته و همه آنها را به صورت هماهنگ با هم رشد داده است.

و به راستی که چنین فردی قابلیت اینکه انسان کامل و الگوی نسل جوان امروز قرار بگیرد را دارد. او از جرگه همان عاشقان و عارفانی است که امام خمینی(ره) آن رهبر کبیر و پیر فرزانه که خود عالمی به تمام معنا و کامل است، درباره آنان فرمودند که: «من به دست و بازوی شما بسیجیان بوسه می‌زنم و به حال شما غبطه می‌خورم که ره صد ساله را یک شبه پیموده‌اید».

سرانجام روحانی شهید محمد حسین بیاتی بعد از مدت‌ها جهاد در سنگرهای ایمان علیه کفر صدامیان مزدور در جبهه شلمچه و در روز سوم تیرماه سال یک هزار و سیصد و شصت و یک در عملیات رمضان تن استوارش به گذر گلوله‌ها واژگون شد و از برکه‌های کوثر سیراب گشت و به آرامش شهادت و آسایش ابدی رسید و به یاران رفته‌اش ملحق شد.

مادرش می‌گوید: «بعد از شهادت او هنگام تولد فرزند کوچک‌ترم او را در خواب دیدم. شب عاشورا بود. در خواب به من گفت: مادر از پیش تو نخواهم رفت و با این نام پیش تو خواهم ماند. برای همین برای فرزند کوچک‌ترم، نام برادر شهیدش را انتخاب کردیم».

پیکر این شهید والامقام را در قطعه بیست و شش بهشت زهرا(س) به خاک امانت سپردند. خدایش نیکوترین پاداش‌ها را بر او گوارا کند.

آخرین توصیه شهید:

«از امت شهیدپرور ایران عاجزانه تقاضا می‌کنم دست از پیروی و اطاعت امام امت نکشید و همیشه و در هر مورد مطیع اوامر ایشان باشند. از امت شهیدپرور ایران عاجزانه درخواست می‌کنم که از تفرقه و تفرقه‌اندازان تبری جسته و همگی در زیر لوای اسلام عزیز متحد شده تا به امید خدا و حمایت حضرت مهدی (روحی و ارواح العالمین له الفدا) ریشه صدام و اربابان صدام را کنده و بیت‌المقدس را از زیر سلطه اسرائیل غاصب آزاد سازند. ان‌شاءالله. از نیروهای نظامی عاجزانه خواهشمندم که دست به دست هم داده و تحت لوای ولایت‌فقیه چنان ضربه بر خصم پلید وارد آورند که برای او و دیگران درسی باشد که به این مملکت که مردمش الهی شده‌اند، نمی‌شود حمله کرد. نکته آخری که باید تذکر بدهم این است که مردم از کثرت شهدا و مجروحین و مصدومین خللی در ایمان استوارشان ایجاد نگردد. زیرا مگر نه این است که ما برحقیم و به بهشت می‌رویم. لذا هراسی از این تلفات نداریم. زیرا حق بزرگ‌تر از این حرف‌هاست».

نگاهی به کتاب «راستینه»

پاسخ به شبهاتِ پر تکرار درباره زن و حجاب

کامران پورعباس

در اغتشاشات شکست خوردهٔ سال ۱۴۰۱ که حدود ۱۰۰ روز به طول انجامید، صحنه گردانان اصلی برخی دشمنان خارجی به سرکردگی شیطان بزرگ آمریکا و ضدانقلاب داخلی و خارجی و تروریست‌های مسلح بودند. تحرکات براندازانه و طرفداری از بی‌حجابی و ولنگاری و برهنگی از ویژگی‌های مهم اغتشاشات بود.

متأسفانه عده‌ای فریب خورده به ویژه از قشر جوان و نوجوانان نیز بازیچه دست اغتشاشگران گردیدند.

اسم رمز اغتشاشات ۱۴۰۱، «زن، زندگی، آزادی» بود و همزمان با آن شبهات متعددی توسط دشمنان و بلندگوهای دشمنان در فضای مجازی منتشر گردید و تاکنون نیز بر حجم و عمق این شبهات افزوده شده است.

یکی از مهم‌ترین کارها در برابر تهاجم فرهنگی و جنگ نرم، پاسخ به شبهات و بصیرت‌افزایی و اقناع‌سازی است که متأسفانه کمتر به این ضرورت توجه می‌شود.

با توجه به آنکه از زمان فتنه ۱۴۰۱ تا به حال شبهات و چالش‌های متعددی در عرصه عزت و کرامت و آزادی زن و حجاب و عفاف خانم‌ها مطرح گردیده و هر روز نیز پر رنگ‌تر می‌گردد و هنوز هم که هنوز است ضرورت حجاب و مبارزه با ولنگاری و بی‌حجابی بحث و ضرورت روز جامعه است، نگاهی می‌اندازیم به کتاب «راستینه» که با هدف روشنگری و پاسخ به شبهات در عرصه مقام و شأن زنان و ضرورت و آثار و فواید حجاب و عفاف اسلامی منتشر گردیده است.

هیئت یا مهدی(عج) در شهرک واوان در شهرستان اسلامشهر در این عرصه احساس مسئولیت کرده و به فاصله کوتاهی از اغتشاشات ۱۴۰۱ کتابی با عنوان «راستینه» در پاسخ به شبهات اغتشاشات ۱۴۰۱ و «زن، زندگی، آزادی» منتشر نموده است و هم اکنون نیز پویشی مطالعاتی با محوریت این کتاب در حال برگزاری است.

اسفند ۱۴۰۱، جلد نخست پرسش و پاسخ‌های نوجوانانه با عنوان «راستینه» به همت جامعه ایمانی مشعر رونمایی شد. به فاصله کوتاهی، در خردادماه ۱۴۰۲ کتاب راستینه به چاپ دوم رسید.

کتاب راستینه به همت جمعی از طلاب و فضلای هیئت یامهدی(عج) با بررسی شبهات پرتکرار اغتشاشات ۱۴۰۱ تهیه و تنظیم شده است. حجت‌الاسلام امیرحسین صادقی، حجت‌الاسلام حسین رواز و حجت‌الاسلام مسعود هاوش نویسندگان این کتاب هستند که تحت نظارت حجت‌الاسلام سید حسین موسوی کتاب را تألیف کرده‌اند.

این اثر توسط انتشارات شهید کاظمی و همکاری انتشارات هیئت امروز به زینت طبع و نشر آراسته شده است.

در مقدمه کتاب راستینه آمده است:

«مهر و آبان ۱۴۰۱، روزهای شلوغ و پر سر و صدایی را در کشور گذراندیم.... این بار جنگی همه‌جانبه و تمام عیار را مهندسی کرده بودند.... حجم فعالیت‌های رسانه‌های بیگانه آن قدر زیاد و بی‌سابقه بود که می‌توان گفت ایران در پاییز ۱۴۰۱ درگیر یک جنگ جهانی رسانه‌ای تمام عیار شد.

از طرفی به جان نوجوانان عزیز، نسل نوپای انقلاب افتادند. نوجوانانی که برای جوانی و میان سالی خود مدینه‌ای فاضله می‌خواهند و دروغ‌های بی‌اساس دشمنان قسم خورده ایران و اسلام، حسابی برخی از آنها را دچار تردید و آشفتگی کرد.

اگر چه این بار هم دشمن اسلام و انقلاب در برابر اراده مردم ایران شکست خورد، اما با وجود اینکه آتش اغتشاشات فروکش کرده، ولی هستند برخی از نوجوانانی که هنوز شبهات و گره‌های ذهنی دارند. باید با شکیبایی و صبوری پای صحبت دانش‌آموزانی که در دهه دوم زندگی به سر می‌برند نشست و پاسخ‌های منطقی و مستدل به شبهات و ابهامات‌شان داد.

«راستینه»، به معنای حقیقت اولین جلد از سلسله کتاب‌های پرسش و پاسخ‌های نوجوانانه است که با تلاش جمعی از فضلای هیئت یا مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف)، حجج اسلام امیرحسین صادقی، حسین رواز و مسعود هاوش پیرامون شبهات پر بسامد و پرتکرار اغتشاشات ۱۴۰۱ به رشته تحریر در آمده است. بعد از بررسی و مطالعه، برخی از شبهات پرتکرار را در برخی کتب موجود یافتیم که از پاسخ و قلم فرسایی در این زمینه خودداری نمودیم و پاسخ شبهات موجود را از همان کتب با ذکر منبع در این اثر آوردیم.»

در ادامه منتخبی از شبهات مطرح شده در کتاب راستینه و پاسخ‌های ذکر شده در کتاب را نقل می‌نماییم.

شبهه: در تمام دنیا حق انتخاب پوشش جزء حقوق اولیه انسان‌هاست؛ چرا در ایران حکومت با حجاب برای پوشش ما تصمیم می‌گیرد؟

پاسخ: درست است که تیپ و ظاهر هر شخصی به انتخاب و سلیقه خودش ارتباط دارد نه دیگران، ولی تا جایی که بر دیگران اثر بدی نداشته باشد.

هرکس می‌تواند در اتاق خودش، در منزل خودش، در محیط خصوصی‌اش مطابق سلیقه و علاقه‌اش لباس بپوشد و به اصطلاح تیپ بزند اما وقتی در کوچه و خیابان و اجتماع وارد می‌شود دیگر موضوع فرق می‌کند. فرض کنید شخصی به یک عطر تند و خاص علاقه داشته باشد و برای مهمانی یک شیشه از آن را روی خود خالی کند، طبیعتاً این کار درستی نیست و بوی این عطر مشام دیگران را بیش از اندازه تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین پوشش در محیط اختصاصی و اجتماعی تفاوت دارد و رعایت حجاب در حقیقت در قدم اول اعلان این مطلب به مخاطبین و جامعه است که جنبه انسانی و فضائل روح من شایسته توجه هست نه صرفاً تن و بدن من و در قدم دوم ایجاد امنیت روحی و فکری برای خود و دیگران است.

نکته قابل توجه دیگر اینکه اگرچه کشورهای دنیا روی حد و حدود پوشش قانونی با هم اختلاف دارند اما هرکدام از آنها یک حدی از پوشش را برای انسان‌ها ضروری می‌دانند و این‌طور نیست که هرکس هرچه دلش بخواهد را در اجتماع و مکان‌های عمومی بپوشد.

در همه کشورها پلیس مسئول مقابله با بی‌قانونی از جمله برخورد با بدپوششی است به عنوان نمونه چند ماه پیش در ۱۳ می ۲۰۲۲ دانش‌آموزان یک دبیرستان دخترانه در کانادا در اعتراض به الزام پوشش زیاد در مدرسه اعتراض کردند که پلیس وارد شد و برخی را دستگیر کرد.

علاوه‌بر این نکات، وقتی شما از پزشک خوب یا رستوران و فروشگاه مناسب آگاهی دارید و یا از جاده خراب و پر خطری خبر داشته باشید سعی می‌کنید از روی دلسوزی به دیگران اطلاع دهید و تلاش می‌کنید آنها را از آن جاده خطرناک منصرف کنید. توصیه برای حجاب هم از سر دلسوزی است چون به اصطلاح تیپ زدن یک خانم جوان برای مردها بسیار فریبنده است و باعث درگیری ذهنی و از دست دادن آرامش جوان‌ترها و یا خیانت در خانواده‌هاست و البته دختران را هم بیشتر در معرض تجاوز قرار می‌دهد.

شبهه: این همه اختلاس و فسادهای مالی در این کشور هست، چرا به موضوع کم اهمیتی مثل حجاب گیر داده‌اید؟ با بیرون بودن یک تار موی دختران کشورمان دنیا به آخر می‌رسد؟!

پاسخ: درست که با نمایش یک تار مو دنیا به آخر نمی‌رسد، اما به نظر شما اگر یک تار مو در غذایی خوب و خوشمزه باشد، آیا دنیا به آخر می‌رسد؟! طبیعتاً خیر، این تار مو حتی مزه و طعم غذا را هم تغییر نمی‌دهد، اما بسیاری از افراد در چنین حالتی دچار دل‌زدگی شده و آن غذای خوب و خوشمزه از چشم‌شان می‌افتد.

از سوی دیگر ماجرای سؤال یکی از اصحاب امام صادق(علیه‌السلام) در این زمینه درس آموز است. روزی یکی از یاران امام خدمت ایشان رسید و گفت در یک کوزه روغن یک موش افتاده، آیا می‌شود آن روغن را خورد؟ امام صادق(علیه‌السلام) فرمودند: نمی‌توانی آن را بخوری. مرد گفت: آقا یک موش کوچک‌تر از آن است که باعث شود غذای خود را کنار بگذارم و از خیر روغن‌های گران قیمت بگذرم. امام صادق(علیه‌السلام) فرمودند: آن چیزی که در نظر تو کوچک است، موش نیست؛ این دین است که در نظر تو کوچک است. (شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج۱، ص۴۲۰) بنابراین اگر از این زاویه به ماجرا نگاه کنید، متوجه می‌شویم که یک تار مو شاید به خودی خود اهمیتی نداشته باشد اما وقتی به این توجه کنیم که حتی نمایش یک تار مو هم سرپیچی از فرمان پروردگار جهانیان است، همین یک تار مو هم مهم می‌شود. چطور ممکن است روزانه دست دعا و نیاز به درگاه پروردگار بلند کنیم و از او انتظار داشته باشیم نیازهای‌مان را تأمین کند، ولی در عمل به دستوراتش اهمیت ندهیم؟

درست است که موضوع مبارزه با فساد مالی و اختلاس خیلی اهمیت دارد، اما این واقعیت تلخ وجود اختلاس در جامعه، نمی‌تواند مجوزی برای کار بد دیگران باشد. اگر این منطق درست باشد، کسی که فحش می‌دهد، بگوید به جای برخورد با من جلوی دزدها را بگیرید، دزدها بگویند به جای برخورد با ما قاتل‌ها را بگیرید و همین‌طور این داستان ادامه دارد.

هر کار بد و اشتباهی در جای خود ناپسند است و لازم است با آن برخورد شود که این برخوردها هم انجام می‌شود و اخبار بخشی از آنها در رسانه‌ها موجود است اما این مسئله باعث نمی‌شود که خطرات بدحجابی و بی‌حجابی، کم یا نادیده گرفته شود. بنابراین باید با هر کار بد و غیرقانونی مبارزه شود و نمی‌توان به بهانه برخورد با یک کار بد از کار اشتباه دیگری چشم‌پوشی کرد.

شبهه: آرامش روانی در اجتماع زنان باحجاب بیشتر است یا بی‌حجاب؟

پاسخ: به نظر می‌رسد این سؤالی است که خانم‌ها بهتر می‌توانند به آن جواب دهند. مثلاً دو مجلس با حضور زنان را تصور کنید؛ جلسه اول، جلسه‌ای مذهبی است که همه خانم‌ها باحجاب در آن شرکت کرده‌اند و جلسه دیگری که حجاب در آن وجود ندارد و خانم‌ها بی‌حجاب و آرایش کرده هستند. به نظر شما خانم‌ها در کدام حالت استرس کمتری دارند و از آرامش بیشتری برخوردارند؟ برای حضور در کدام جلسه زمان بیشتری را صرف آماده‌سازی ظاهر خود می‌کنند و نگران قضاوت دیگران درخصوص مدل مو، آرایش، لباس و... خود هستند؟

حجاب باعث می‌شود که خانم‌ها بیشتر از اینکه به ظاهر خود بپردازند، دیگر ارزش‌های علمی، هنری، فکری و... را مورد توجه قرار دهند. طبیعی است که در چنین حالتی خانم‌ها از آرامش روانی بیشتری برخوردار خواهند بود.

شبهه: حجاب موجب حریص شدن مردها می‌شود. واقعاً مردان در کشورهای پیشرفته مثل آمریکا و اروپا چشم و دل سیرند.

پاسخ: برای اینکه یک نمونه از میزان چشم و دل سیری جامعه آزاد و پیشرفته مثل آمریکا آشنا شویم، کافی است به وضعیت کشور آمریکا دقت کنیم:

بنا بر گزارش بخش مبارزه با جرائم و مواد مخدر سازمان ملل، نرخ تجاوز در آمریکا و کشورهای اسکاندیناوی و غرب اروپا، بالاتر از دیگر نقاط جهان بوده است.

طبق آمار منتشر شده توسط مرکز ملی خشونت جنسی در آمریکا(NSVRC)، تقریباً ۱ زن از هر ۵ زن در آمریکا تجربه مورد تجاوز یا در معرض تجاوز قرار گرفتن را داشته است. همچنین بر اساس این آمار از هر ۴ دختر، یک دختر و از هر ۶ پسر، یک پسر، پیش از ۱۸ سالگی در معرض سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند.

۲۹/۹ درصد از تجاوزات جنسی بین سنین ۱۱ تا ۱۷ سالگی قربانیان رخ می‌دهد.

۸۰ درصد از تجاوزهای صورت گرفته توسط کسانی بوده است که قربانیان آنها را می‌شناخته‌اند.

از هر ۵ دانشجوی زن، یک نفر در طول دوران تحصیل خود در معرض تعرض جنسی قرار گرفته است.

علاوه‌بر همه این گزارش‌ها، آمار سقط جنین نیز که ناشی از روابط بی‌قید و بند و همچنین افزایش تجاوز به عنف است، گویای این ماجرا است؛ علی‌رغم ممنوعیت سقط جنین در آمریکا تا سال ۱۹۷۳، این رقم به ۶۰۰۰۰۰ سقط در سال رسیده بود. پس از آزادی سقط جنین در سال ۱۹۷۳ و علی‌رغم گسترش قرص‌های ضدبارداری و بسیاری از روش‌های مؤثرتر و پیشرفته‌تر پیشگیری از بارداری در دهه ۶۰ میلادی که دسترسی به آن حتی برای دختران کم سن و سال بدون اجازه والدین بسیار ارزان و آسان شد، انتظار می‌رفت که تعداد سقط جنین در همان سطحی که در سال ۱۹۷۳ بود، باقی خواهد ماند؛ اما این رقم طی حدود ۱۰ سال، در سال ۱۹۸۵ نزدیک ۱٫۶ میلیون سقط در سال رسید.

نتیجه این آمارهای وحشتناک این که آزادی روابط جنسی هیچ‌گاه و در هیچ جا منجر به کاهش و یا کنترل غریزه و روابط جنسی نشده است و وضعیت کنونی غرب گویای این موضوع است.

روند آزادی روابط جنسی در غرب باعث شده که از روابط جنسی قانونی در خانواده به همجنس‌بازی، تجاوز و رابطه با محارم، حیوانات و... برسند.

اما دانستن این نکته خالی از لطف نیست که احمدی رهبر پژاک شاخه ایرانی (پ.ک.ک) که شعار زن، زندگی، آزادی را ترویج کرد به دخترش تجاوز کرد و باعث خودکشی او شد. نمونه‌های تأسف بار روابط جنسی رهبران این گروهک با دختران عضو را در کتاب The Kurds and the Future of Turkey اثر مایکل گونتر آمریکایی بخوانید.

همچنین سازمان مجاهدین خلق نیز که این روزها سردمدار مطالبه آزادی زنان بود، کارنامه سیاهی در سوءاستفاده جنسی از دختران این فرقه توسط مسعود رجوی و رهبران آن دارد.

شبهه: زن در جوامع پیشرفته به قله‌های پیشرفت در عرصه‌های مختلف رسیده؛ ولی در جامعه ما دختران و زنان ما برای نداشتن حجاب باید بجنگند.

پاسخ: بیایید این قله‌های پیشرفت زن غربی را به روایت خودشان با چند شاخصه حائز اهمیت بررسی کنیم:

۱. خودکشی
۲. وضعیت زنان سرپرست خانوار
۳. خشونت جنسی

اول: رشد سریع‌تر میزان خودکشی در زنان نسبت به مردان:

در میان سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ با وجود اینکه آمار خودکشی در مردان نیز با میزان ۲۱ درصد در حال افزایش بود، افزایش این آمار برای بانوان نزدیک به ۵۰ درصد بود. آمار خودکشی در غرب و افزایش چند برابری درصد خودکشی زنان در مقایسه با مردان نشان‌دهنده افزایش زن‌ستیزی در غرب است.

دوم: گزارش سازمان ملل متحد درباره زنان سرپرست خانوار در آمریکا:

طبق گزارش سازمان ملل متحد درباره وضعیت خانوارها در سال ۲۰۱۷:

۴۷ درصد از زنان و نزدیک به ۳۰ درصد از افراد بالای ۶۰ سال سرپرست خانوار هستند. بحران خانواده دامنگیر اروپای غربی نیز شده است به حدی که در کشوری مثل فرانسه حدود ۴۹ درصد و در لوکزامبورگ حدود ۵۹ درصد بانوان سرپرست خانوار هستند. جالب توجه است که این آمار در ایران فقط حدود ۱۲ درصد از بانوان سرپرست خانوار هستند.

سوم: خشونت جنسی علیه زنان:

در آمار منتشر شده توسط مرکز ملی خشونت جنسی آمریکا چنین گزارش شده:

از هر پنج زن در آمریکا، یک زن تجربه در معرض تجاوز جنسی قرار گرفتن را دارد.

از هر چهار دختر، یک دختر و از هر شش پسر، یک پسر پیش از هجده سالگی در معرض سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند.

از هر ۵ دانشجوی زن، یک نفر در طول دوران تحصیل خود در معرض تعرض جنسی قرار گرفته است.

اما درباره حجاب زن ایرانی، اولین نکته این است که فرهنگ باستانی ایرانیان پوشیدگی و حجاب بوده و از دیرباز زنان ایرانی پوشش کاملی برای خود انتخاب کرده بودند. تصویر زن در نگاره‌های ۲۵۰۰ سال پیش تخت جمشید به خوبی این موضوع را نشان می‌دهد.

نکته بعدی اینکه به شهادت آمارهای جهانی در ایران عزیزمان پیشرفت‌های چشمگیری نصیب زنان شده است.

در بحث آموزش:

به گزارش WEF یعنی انجمن جهانی اقتصاد، ما در برابری حق تحصیل دختر و پسر و عدالت آموزشی در دنیا رتبه۱ را داریم.

به گزارش سازمان ملل، قبل از انقلاب ایران جزء بی‌سوادترین کشورها در حوزه بانوان بود؛ اما الان جزء باسوادترین کشورها در حوزه بانوان هستیم. میزان بی‌سوادی زنان ایران از ۷۰ تا ۸۰ درصد در سال ۱۳۵۴ به کمتر از ۱۰ درصد در سال ۱۳۸۹ کاهش یافته است.

افزایش نسبت دختران به پسران در تحصیلات دانشگاهی، نسبت دختران در کل دانشجویان از حدود ۲۵ درصد در دهه ۵۰ به ۵۰ درصد رسیده است.

اساتید و هیئت علمی زن در دانشگاه‌های کشور از کمتر از ۱۵ درصد در دهه ۵۰ به بیش از ۳۰ درصد در دهه ۹۰ رسیده است.

در بحث ورزش بانوان:

تعداد رشته‌های ورزشی بانوان از ۷ رشته در سال ۱۳۵۷ به ۳۸ طی ۲۰ سال اول انقلاب و تعداد مربیان ورزشی خانم نیز رشدی نجومی داشته و از ۹ مربی به ۵۳۰۰۰ افزایش یافته است. تعداد داوران زن نیز از ۷ نفر به ۱۶۰۰۰ نفر رسیده است که نشان از افزایش ۲ هزار برابری داور زن است. همچنین تعداد ورزشگاه‌های اختصاصی بانوان پس از انقلاب اسلامی ۳۰ برابر شده است.

فدراسیون‌های فعال ورزشی در حوزه بانوان از یک مورد به ۴۹ فدراسیون افزایش یافته است. مدال‌های کسب شده در رویدادهای بین‌المللی توسط بانوان از ۲ مورد در ابتدای انقلاب به بیش از ۸۰۰ مورد رسیده است.

در بحث بهداشت و سلامت:

در شاخصه امید به زندگی زنان به گزارش WHO سازمان بهداشت جهانی به بیش از ۷۷ سال رسیده‌ایم.

در تعداد پزشک بانوان پس از انقلاب، تعداد پزشک‌های فوق تخصص مرد ۳ برابر شده، اما خانم‌ها ۱۲ برابر شده است.

افزایش نسبت پزشکان متخصص زن از ۱۵ درصد به ۴۰ درصد طی فقط بیست سال، افزایش نسبت پزشکان فوق تخصص زن از ۹ درصد به ۳۰ درصد طی فقط بیست سال سال، افزایش نسبت پزشکان متخصص زن در حوزه زنان و زایمان از ۱۶ درصد به ۹۸ درصد طی فقط بیست سال و هزاران دستاورد دیگر...

جمهوری اسلامی ایران در حوزه بانوان فوق‌العاده کار کرده، در حدی که نیویورک تایمز چند سال پیش یک گزارشی را منتشر کرد که انقلاب ۱۹۷۹ میلادی یعنی سال ۵۷ نقطه عطفی برای زنان ایرانی در همه حوزه‌ها بوده است.

روایت صدثانیه ای

راز مفقودی شهدا

ابوالقاسم محمدزاده

محمود می‌گفت:

- بچه‌های گروه تفحص شهدا در گرما و سرما، در جست‌وجوی پیدا شدن پیکرهای مطهر پاک شهیدان جاویدالاثر هستند.

خیلی زحمت می‌کشند و هر روز به امیدی برای پیدا نمودن پیکر شهدای عزیز می‌روند که بعضی وقت‌ها روزها و هفته‌ها و شاید هم ماه‌ها نمی‌توانند پیکر شهید عزیزی را پیدا نمایند و با دل شکسته دست خالی برمی‌گردند.

پیدا نشدن آنها بستگی دارد به خواست شهید که در خلوت و مناجات‌هایش با معشوق و خدای خود چه گفته و خدا چه خواسته است. خیلی از شهدا این‌گونه شهید شدند که اثری از آنها نماند.

بعضی رازشان فاش شد و بعضی هم رازشان سر به مهر ماند که در«یوم تبلی السرائر» معلوم خواهد شد که آنها از خدا چه خواستند، و چه گرفتند.

عقل و فهم ناقص ما از فهم و درک رابطه عاشق و معشوق عاجز است. اللهم احشرنا مع الشهداء والصالحین آمین.

موضوع: تفحص شهدا
راوی: محمود نجیمی

یک شهید، یک خاطره

تبسمی از درد

مریم عرفانیان

ایام ماه مبارک رمضان بود. یک روز قدیر به دل‌دردی شدید دچار شد، طوری که از درد روی زمین پهلوبه‌پهلو می‌شد. برایش داروی خانگی آوردم و به دستش دادم تا بخورد؛ قبول نکرد!

- با این دارو حتماً خوب میشی...

هر چه اصرار کردم نخورد و تا اذان مغرب صبر کرد. دردش بی‌تابم می‌کرد، برای همین گفتم: «چرا روزه‌ت رو باز نمی‌کنی؟»

تبسمی از درد روی لب‌های خشکیده‌اش نشست.

- نیم ساعت بیشتر تا افطار نمونده، اون وقت من روزه‌ام رو بخورم؟

چشم‌های نگرانم را که دید ادامه داد: «از دل‌درد که انسان طوری نمی‌شه...» بااینکه درد داشت، با حرف‌هایش مرا آرام کرد.

بعد از افطار، داروی خانگی را برایش آوردم و حالش بهتر شد...

بر اساس خاطره‌ای از شهید قدیر برسلانی
راوی: عذرا مشهدی، همسر شهید

مقاومت در فضای مجازی

ما موظف به انتقال پیام خون شهدا به نسل آینده‌ایم

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس اقدام به انتشار صوتی از شهید ابراهیم همت برای اولین‌بار کرده است.

در این صوت شهید همت در قرارگاه ظفر در محور غرب در سومار در شرح عملیات مسلم بن عقیل که در پنجم آبان ماه سال ۱۳۶۱ سخنرانی کرده است از ارزش خون شهدا و تجربیات کسب شده و اهمیت انتقال این تجربیات سخن می‌گوید.

در این صوت می‌شنویم:

«رک و پوست‌کنده به شما بگویم هر نفری که شهید شده، ما یک‌ذره تجربه کسب کردیم، هیچ‌کدام‌مان دوره در آمریکا و اسرائیل و روسیه ندیدیم، همه‌مان عملیات و جنگ را یاد گرفتیم با خون شهدا، چهار نفر شهید شدند یک‌چیزی یاد گرفتیم، هشت نفر شهید شدند یک‌کم بیشتر، همه تجربیاتی که شما توی جبهه پیدا کردید، بر اساس این خون‌ها است، این باید انتقال پیدا کند، لااقل همان مطلب که ما نتوانستیم شهید بشویم لااقل پیام خون این شهدا را بدهیم و آن این است که به فکر باشیم تا آینده‌ای که دارد در جبهه می‌آید همین نسل آینده و، این‌هایی که هم‌اکنون دارند می‌آیند کمتر ضربه بخورند. نسل انقلاب و آینده انقلاب هم بیشتر بتواند توی عملیات شرکت کند.»